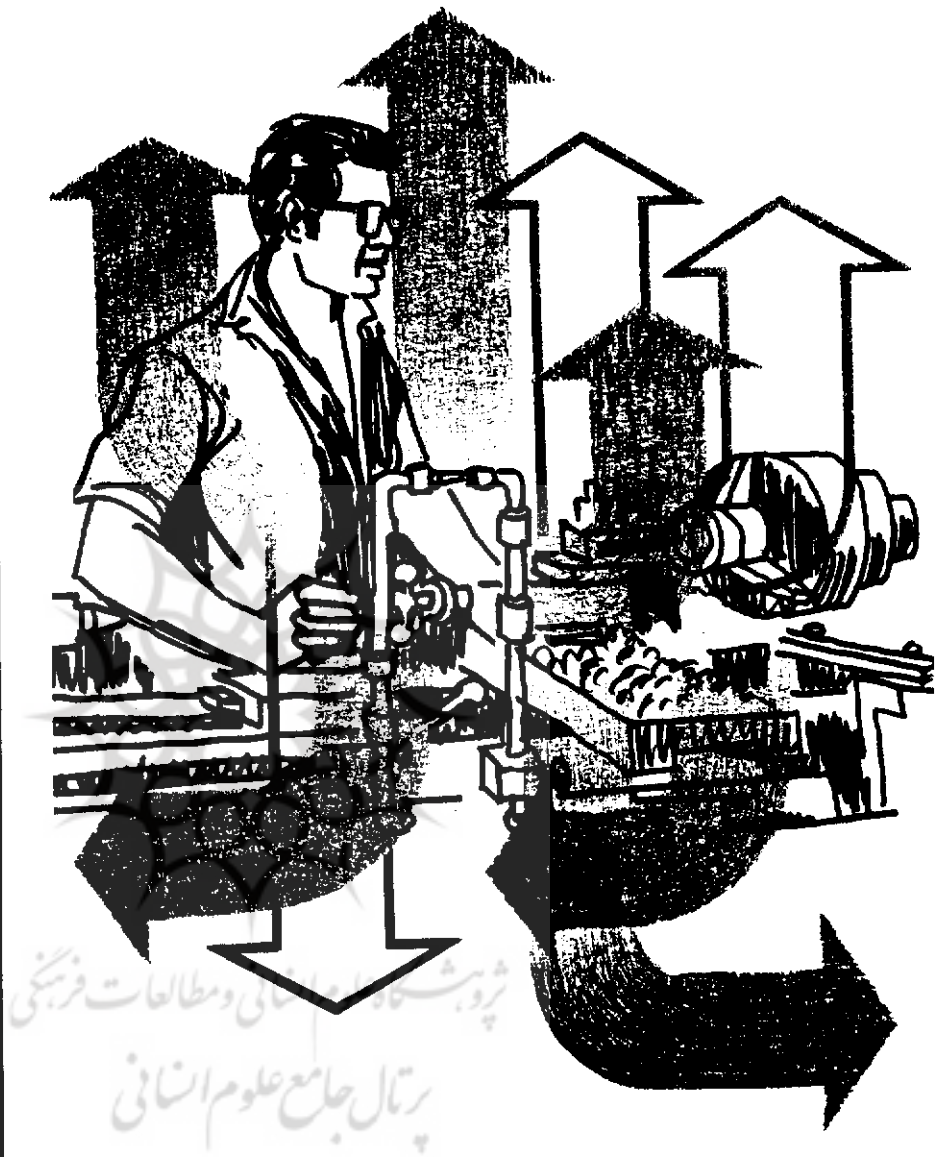


# راهبردهای توسعه صنایع کوچک

## در ژاپن، چین و هند

یک بررسی تطبیقی از:



- هر یک از کشورهای در حال توسعه بایستی برنامه‌های توسعه خود را بر اساس سنت‌ها و نیازمندیهای موجود در آن کشور طراحی و به مرحله اجرا بگذارد. تقلید از آنچه که در جایی دیگر با موفقیت همراه بوده است ضرورتاً نمی‌تواند به همان نتایج و آثار بینجامد.

برنامه توسعه صنایع کوچک در سه کشور عمده آسیا یعنی ژاپن، چین و هند جایگاه والا و مهمی یافته است. بر این اساس، راهبردهائی که آنها تعقیب کرده‌اند و نیز برنامه‌های ویژه‌ای که برای نیل به این هدف سازماندهی شده است نشانگر تنوعی وسیع در الگوهای رشد مورد استفاده در هر کشور طی ۲۵ سال اخیر می‌باشد. از آنجا که هر چه زمان می‌گذرد تعداد بیشتری از کشورهای در حال توسعه در صدد گسترش صنایع کوچک خود برمی‌آیند مقایسه راهبردهای این سه برنامه موفق در آسیا می‌تواند مفید و جالب باشد.

## ۲ - روش:

در ژاپن، صنایع کوچک به واسطه مساعی طبقه تجار و بازرگانان (Daimyo) رشد کرده‌اند. برنامه گسترده قراردادهای فرعی که ژاپن با زرنگی و نکته‌سنجی قابل توجهی به اجرای آن دست زده است در حقیقت گسترش نقشی است که تاجار و سوداگران خرده‌پا و کوچک همواره در این کشور ایفا کرده‌اند. این برنامه در واقع ژاپن را به منافع و نتایج مثبت قابل توجهی نائل کرد زیرا این کشور را قادر ساخت تا با استفاده از یک اقتصاد با دو خصیصه هزینه پائین و دستمزد پائین به تغذیه صنایع بزرگ و اتاقهای بازرگانی که به منزله منبع جرقه اصلی در رشد اقتصادی ژاپن طی دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ می‌باشند بپردازد. با این ترتیب در ژاپن همواره تاکید بر یک نظام اقتصادی با ساختار دوگانه بوده است بنحوی که شرکتهای بزرگ به منزله منابع اصلی صادرات کالا به خارج عمل کرده‌اند و در عین حال تولید و فعالیت خودشان را بر اساس کار و تولیدات تعداد بسیار زیادی از واحدهای کوچک اقتصادی در تمامی سطح کشور استوار ساخته‌اند.

در چین، صنایع کوچک عمدتاً به «کمون»ها و «بریکاد»ها که توسط «مائو» و پس از اخراج مشاوران روسی در سال ۱۹۵۶ بوجود آمده‌اند منحصر و محدود می‌شود. این صنایع اساساً برای تحرک بخشیدن به آنچه که چینی‌ها آن را «چهارمحل» می‌خوانند و دربرگیرنده مواد خام محلی، مهارتهای محلی، منابع مالی محلی و بازارهای محلی می‌باشد طراحی شدند. بنابراین صنایع کوچک عمدتاً به منزله وسیله‌ای برای پویا کردن منابع محلی در مسیر رشد کشور و کمک به کاهش اختلاف سطح زندگی بین شهر و روستا، بین شهری و روستائی، بین بزرگ و کوچک، و

بالاخره بین بخشهای پیچیده و بخشهای روستائی اقتصاد تلقی شده است.

چین همچنین صنایع کوچک را تا زمانی که با فرصت کافی خود راساً به تدوین و ساخت تکنولوژی خاص خویش در بخش صنایع بزرگ نائل آمد بکار گرفته است. بنابراین، صنایع کوچک در چین چیزی شبیه به یک پدیده محلی بوده و بعنوان یکی از شاخصهای دوران انتقال مد نظر قرار گرفته است. شعار معروف «مائو» تحت عنوان «راه رفتن روی دو پا» از سوی یار دیگرش «تنگ» بانوگرائی متهورانه تری نگریسته شد، گرچه در همین حال باز هم حرکت بسوی تاکید بیشتر بر روی صنایع سبک بود.

در کشور هند از دوران گاندی نهضت صنایع کوچک بعنوان وسیله‌ای برای تقویت و حمایت از قشرهای ضعیف تر جامعه، توجه شایانی را به خود جلب کرده است. شاغلین بافندگی دستی، کارگران صنایع دستی، زنان روستائی که در خانه‌ها به نخ‌ریسی مشغولند، صنعتگران روستائی یا پیشه‌وران شهری همگی بعنوان قشرهای نیازمند جامعه، تحت حمایت قرار گرفته‌اند تا بتوانند با بخش صنایع نوین و پیشرفته به رقابت بپردازند.

پس از استقلال هند و زمانی که مسئله عدم توازن منطقه‌ای ظهور پیدا کرد صنایع کوچک بعنوان یک ابزار مناسب و طبیعی برای ترمیم و بهبود این عدم توازنها مورد توجه قرار گرفت. در سالهای اخیر که مسئله بیکاری به تدریج بصورت یک مشکل حاد درآمد صنایع کوچک که توانائی بالقوه ایجاد مشاغل متعدد با صرف هزینه‌های کمتری را داشت بصورت یک الگوی پرجاذبه و مناسب در ذهن برنامه‌ریزان و مسئولان اجرایی جای گرفت.

## ۳ - سازمان کار:

در کشورهای ژاپن و هند، توسعه صنایع کوچک از طریق مؤسسات رده بالای مملکتی، هم در سطح ملی و هم در سطح ایالتی سازماندهی شده است.

در ژاپن، دفتر صنایع کوچک عهده‌دار توسعه این بخش است و در واقع قسمت مهم و مؤثری از وزارت صنایع و تجارت بین‌المللی را تشکیل می‌دهد. «شورای صنایع کوچک» که یک ارگان مشورتی است مستقیماً زیر نظر نخست‌وزیر فعالیت می‌کند. در سطح ایالت، صنایع کوچک دربرگیرنده شاخه‌هایی از دپارتمان صنایع که در سطوح فوق فعالیت می‌کنند می‌شود. به این ترتیب، در ژاپن، شبکه‌های بسیار گسترده‌ای از بنگاههای دولتی در زمینه برنامه‌ریزی و اجرای طرحهای مربوط به توسعه صنایع کوچک به کوشش و فعالیت مشغولند.

در هند، توسعه صنایع کوچک از جمله وظایف وزارت توسعه صنعتی است که از طریق کمیسیونهای توسعه (در ارتباط با صنایع کوچک) انجام می‌گیرد. سازمان مرکزی صنایع کوچک که در سال ۱۹۵۴ تأسیس شد اکنون حوزه فعالیت خود را به شبکه گسترده‌ای شامل ۲۵ مؤسسه خدمات صنایع کوچک، ۲۰ شعبه فرعی وابسته به این مؤسسات و ۴۱ مرکز داخلی (محلی) در سطح کشور گسترش داده است. سازمان توسعه صنایع کوچک (SIDO) - که عنوان فعلی همان سازمان فوق‌الذکر است - علاوه بر مؤسسات و شعبی که در بالا به آن اشاره شد دفاتر و مؤسسات تخصصی دیگری نیز تحت پوشش خود دارد که به زمینه‌های خاصی از قبیل ساخت وسایل کار، طراحی ابزارها و شبکه کارگاههای ابزار کار و نیز مراکز آزمایش لوازم و شیوه‌های کار در سطح کشور



### ● صنایع کوچک در چین اساساً برای تحرک بخشیدن

به آنچه که چینی‌ها آنرا «چهارمحللی» می‌خوانند و شامل مواد خام محلی،

مهارت‌های محلی، منابع مالی محلی

و بازارهای محلی می‌باشد طراحی شده‌اند.

می‌پردازد و هدف از تأسیس آنها تهیه و تدارک تسهیلات تخصصی برای واحدهای صنعتی کوچک و زمینه‌سازی برای بالا بردن و ارتقاء سطح کمی و کیفی کار آنها تا بالا ترین میزان ممکن در سطح جهانی است. در کنار سازمان مذکور، شرکت ملی صنایع کوچک در رابطه با بخش عمومی و مؤسسه کارورزی صنایع کوچک در حیدرآباد که مرکز اصلی برای تربیت نیروی انسانی مورد نیاز در صنایع کوچک می‌باشد نیز فعالیت می‌کنند.

در سطح ملی، علاوه بر سازمان توسعه صنایع کوچک سازمان‌های دیگری نیز وجود دارند که در زمینه‌هایی از جمله بافندگی دستی تحت نظارت کمیسیون توسعه و صنایع دستی و زیر نظر مؤسسات مشابه به فعالیت مشغول هستند. همچنین یک ارگان قانونی تحت عنوان (Knadi) همراه با ۲۳ مرکز صنایع روستائی نیز طراحی و به مرحله عمل درآمده‌اند که گام‌های گسترده و مؤثری در جهت رشد و توسعه اینگونه صنایع برداشته‌اند.

در حائیکه سازمان توسعه صنایع کوچک، وابسته به وزارت صنایع است، امور مربوط به بافندگی دستی و صنایع دستی زیر نظر وزارت بازرگانی اداره می‌شود. هیئت‌های اجرائی جداگانه‌ای نیز بر امور مربوط به محصولات خاصی نظیر ایاف نارگیل و ابریشم که هر دو استعداد قابل توجهی برای تسریع رشد مناطق روستائی دارند نظارت می‌کنند.

پراکنندگی و گسیختگی بخش غیرمتمرکز صنایع کوچک و تقسیم امور مربوطه بین چندین وزارتخانه مختلف، منجر به برخی مسائل ناشی از ناهماهنگی گردیده است لیکن بهرحال در میدان عمل و از طریق نشست‌های مشترک، مسئولین این وزارتخانه‌ها تا حدود زیادی بر اینگونه مشکلات فائق آمده‌اند.

در سطح ایالت، مشکلات و ناهماهنگی‌ها در سطحی به مراتب کمتر ظهور پیدا می‌کنند زیرا چنین مواردی از طریق تماس و گفتگو با مدیر (یا اعضای کمیسیون نظارت) صنعت خاصی که در سطح ایالت فعالیت می‌کنند قابل حل و فصل خواهند بود. در بعضی از ایالات، شرکت‌های ویژه‌ای وجود دارند که عملیات بافندگی دستی و صنایع دستی را یاری می‌رسانند. در این ایالات همچنین هیئت صنایع دستی روستائی و خاد (Khadi) تحت نظارت و راهنمایی کمیسیون

صنایع روستائی و خادی عمل می کنند. در سطح ناحیه، مراکز صنایع ناحیه در اکثر نواحی برای تامین رشد صنایع در منطقه تأسیس شده اند. در سطح شهرستان که تقریباً شامل جمعیتی برابر با ۱۰۰،۰۰۰ نفر می شود صنایع روستائی، جزئی از یک برنامه جامع برای توسعه روستائی بحساب می آید.

در چین، چارچوب تشکیلاتی رشد صنایع کوچک به روشنی تعریف نشده است. در هر دو سطح کمون و بریگاد، اینگونه صنایع تحت کنترل شوراهای کمون و بریگاد تحت کنترل کلی دفاتر صنایع در سطح ایالتی هستند. با این حال در سطوح کمون و بریگاد به مقیاس وسیعی خودمختاری و استقلال داخلی برای رشد صنایع اعطا شده است و البته این اقدام، جزئی از الگوی برنامه ریزی عمومی است که در سطح ایالت و نهایتاً در سطح ملی به اجرا درمی آید.

#### ۴- تعریف:

در هر یک از این سه کشور، عبارت «صنایع کوچک» معنائی دارد که تا حدودی با یکدیگر تفاوت دارند. در ژاپن، از عبارت «فعالیتهای اقتصادی کوچک» استفاده می شود که علاوه بر صنایع تولیدی، شامل عملیات تجاری نیز می گردد. گذشته از این، همچنین نوعی تمایز بین فعالیتهای اقتصادی کوچک (که فعالیتهای اقتصادی متوسط را نیز در بر می گیرد) و صنایع خیلی کوچک در سطح روستاها وجود دارد. تعاریف این موارد در ژاپن، هم برای صنایع تولید و هم برای عملیات تجاری در جدول الف آمده است:

جدول الف -

نوع صنعت	سقف سرمایه	تعداد کارکنان
فعالیتهای اقتصادی کوچک و متوسط شامل: تولید، استخراج معدن، حمل و نقل و غیره	۱۰۰ میلیون ین * (تقریباً معادل ۴۰۰،۰۰۰ دلار)	تعداد کارکنان کمتر از ۳۰۰ نفر
تجارت عمده فروشی	۳۰ میلیون ین	۱۰۰ نفر
تجارت خرده فروشی	۱۰ میلیون ین	۵۰ نفر
فعالیتهای اقتصادی خیلی کوچک شامل: تولید، استخراج معدن، حمل و نقل و غیره	-	۲۰ نفر
بازرگانی و خدمات تجاری	-	۵ نفر

\* یک دلار = ۲۶۰ ین = ۸ روپیه (بطور تقریب)

جمعیت کمتر از ۱۰۰،۰۰۰ نفر به مقدار ۰/۲ میلیون روپیه بوده است.

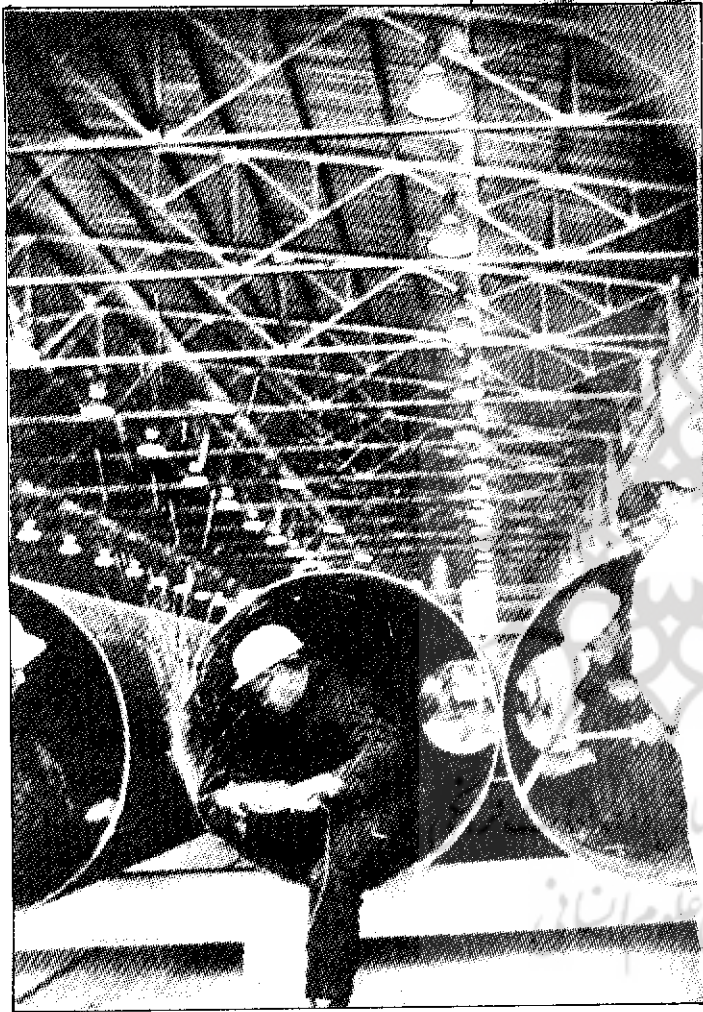
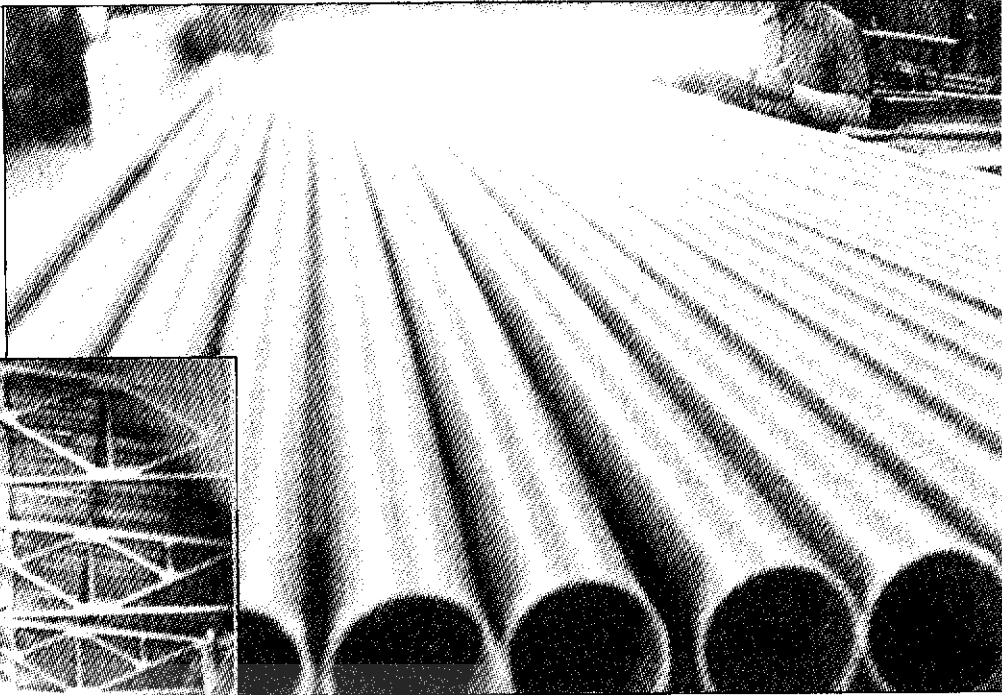
از مطالب فوق چنین برمی آید که تعریف صنعت کوچک در هند اساساً در رابطه با میزان سرمایه گذاری تبیین گردیده و ارتباطی با تعداد کارکنان یا موقعیت جغرافیائی ندارد. تعداد کل واحدها در سطح کشور که زیر پوشش این تعریف قرار می گیرند تقریباً برابر با یک میلیون است که نمایانگر بیش از ۹۰ درصد از کل واحدهای صنعتی می باشد. مجموع تولید این واحدها در حدود ۲۶۰،۰۰۰ میلیون روپیه (۳۰ بیلیون دلار) است که بیش از ۴۰ درصد از کل تولید کشور را تشکیل می دهد. صادرات تولیدات این بخش متجاوز از ۱۰،۰۰۰ میلیون روپیه (۱/۲۵ میلیارد دلار) است. از نظر ایجاد اشتغال، این واحدها نزدیک به ۷/۵ میلیون نفر را به کار و فعالیت واداشته است که البته این ارقام، اشتغالیهای مربوط به سایر قسمتهای بخش غیرمتمرکز نظیر ریسندگی و صنایع دستی را در بر نمی گیرد. بخش صنایع کوچک، بنابراین، عنصر بسیار مهمی از اقتصاد صنعتی هند، هم از نظر تولید و هم از لحاظ ایجاد اشتغال بحساب می آید.

در چین، تعریف صنعت کوچک، کمتر جنبه کمی دارد و به نظر می رسد که بر حسب تولید تغییر می کند. بعنوان مثال، در صنایع آهن و فولاد، صنایع کوچک به مواردی اطلاق می شود که مقدار محصول و تولید سالانه آنها کمتر از ۱۰۰،۰۰۰ تن می باشد و در همین راستا چنانچه بازده واحد صنعتی معادل یک میلیون تن یا بیشتر باشد در رده صنایع بزرگ یا متوسط قرار می گیرد. در زمینه تولید نیرو، بازده ۲۵۰ مگاوات در رده صنایع بزرگ و بازده ۲۵ مگاوات یا کمتر در زمره صنایع کوچک محسوب می شود.

تهیه آمونیاک ترکیبی، با تولید ۱۵۰،۰۰۰ تن در سال مشمول صنایع بزرگ و کمتر از ۴۴،۰۰۰ تن مشمول صنایع کوچک خواهد شد. در زمینه بافت منسوجات، کارخانه های دارای ۱۰۰،۰۰۰ دوک نخ ریزی در بخش صنایع بزرگ و کارخانه های دارای ۵۰،۰۰۰ دوک یا کمتر در بخش صنایع کوچک بحساب می آیند. در صنایع ساعت سازی چنانچه بازده سالانه کارخانه یک میلیون ساعت باشد جزو صنایع بزرگ و اگر تولید کمتر از ۴۰۰،۰۰۰ ساعت باشد در رده صنایع



● واحدهای صنعتی کوچک در ژاپن  
بدلیل آنکه  
تامین کننده مواد و اقلام مورد نیاز  
صنایع بزرگ و مادر هستند  
کمتر با مشکل بازاریابی  
روبروی شوند.



کوچک بحساب می آید. و یا در کارخانه های  
سیمان، کارخانه های بزرگ، تولیدی معادل یک  
میلیون تن در سال و کارخانه های کوچک، کمتر  
از ۲۰۰،۰۰۰ تن در سال خواهند داشت.

از آنچه در بالا آمد می توان دو حقیقت را  
یافت: اول اینکه صنعت کوچک در چین با آنچه  
در هند یا ژاپن وجود دارد نه تنها از نظر تعریف  
بلکه به لحاظ اندازه فرق دارد. بعبارت ساده تر،  
بسیاری از صنایعی که در چین در رده کوچک  
تعریف شده اند در دو کشور دیگر بعنوان صنایع  
بزرگ یا متوسط مطرح می شوند. تولید ۱۰۰،۰۰۰  
تن فولاد مستلزم مقدار سرمایه ای است که بسیار  
فراتر از مقدار سرمایه لازم برای یک صنعت  
کوچک، حتی در کشورهای پیشرفته است. دوم  
اینکه رشد صنعتی را بایستی با دیدگاه گسترده تر و  
جامع تری مورد بررسی قرار داد، به این معنی که

صنایع کوچک در قلمرو صنایع متوسط، و صنایع  
متوسط در حوزه صنایع بزرگ جریان پیدا می کنند.  
به همین دلیل است که برخی ارقام ارائه شده از  
سوی چین در رابطه با میزان اهمیت صنایع  
کوچک بایستی با توجه به تعاریف متفاوت پذیرفته  
شده در این کشورها مورد تعمق و بررسی قرار  
گیرد. به این ترتیب، ۳۴ درصد از نیروی برق تولید  
شده در کشور به بخش صنایع کوچک مربوط  
می شود و همچنین ۸۵ درصد از تولید کودهای  
شیمیائی نیز به واحدهای کوچک نسبت داده

می شود، حال آنکه در مورد سیمان گفته می شود  
که ۵۷ درصد محصول از جانب کارخانجات  
خیلی کوچک تأمین می گردد که این  
کارخانجات به تعداد تقریبی ۳۰۰۰ واحد در سطح  
کشور پراکنده شده اند. در مورد آهن کوره، ۲۸  
درصد تولید از سوی بخش صنایع کوچک ارائه  
می شود حال آنکه این ارقام برای فولاد و  
ماشین آلات کشاورزی به ترتیب ۱۳ درصد و ۶۷  
درصد می باشد. جالب توجه است بدانیم که در  
چین، پنج صنعت کلیدی بعنوان صنایع مهم

کوچک معرفی شده اند که در سطح عامه مردم به  
«کوچکهای پنجگانه» شهرت دارد. این صنایع  
عبارتند از: صنایع ماشین افزار، آهن و فولاد،  
ذغال سنگ، کودهای شیمیائی و صنایع سیمان.  
اخیراً اقلام دیگری از قبیل ماشین سازی،  
مهندسی سبک، منسوجات و الکترونیک نیز بر  
این مجموعه افزوده شده است گرچه مفهوم  
«کوچکهای پنجگانه» کماکان مد نظر می باشد.  
در کشور چین تأکید قابل توجهی بر روی  
مدرنیزه کردن کشاورزی می شود که مستلزم بهبود

و اصلاح روشهای اجرایی، ماشین آلات و شیوه فرایند کردن (بعمل آوردن) مواد خام کشاورزی می باشد. شعار معروف مائوتحت عنوان «کشاورزی، پایه است و صنعت، عامل هدایت کننده» هنوز در کلیه سطوح مورد توجه است. مسئله برقی کردن جریانات تولید و فعالیتهای نیز بعنوان یک وسیله مهم در جریان توسعه کشاورزی از اهمیت خاصی برخوردار است و لذا رابطه نزدیکی بین کشاورزی و صنایع در جهت مکانیزه کردن هر چه بیشتر روند فعالیتهای در سطح کشور وجود دارد.

## ۵- قانون گزاری:

در ژاپن، قانونگزاری در زمینه صنایع کوچک به شکلی نظام یافته مورد تأکید قرار گرفته و قوانین متعددی بمنظور تأمین حمایت از توسعه اینگونه صنایع وضع گردیده است. از مهمترین قوانین مذکور، «قانون بنیادی فعالیتهای اقتصادی کوچک و متوسط» است که در سال ۱۹۶۳ به تصویب رسید و هدف از آن رفع مشکلات و نارسائیهای ناشی از محدودیتهای اجتماعی و مالی در زمینه فعالیتهای اقتصادی کوچک و متوسط بود. علاوه بر این، قوانین دیگری نیز وجود دارد که در ارتباط با ترویج و پیشرفت مبادله تجاری، ساختار سازمانی، همکاری تعاونی و جلوگیری از تأخیر پرداختها وضع شده است و به موجب آن، خریداران بزرگ که تأخیر بیش از ۶۰ روز در پرداختهایشان داشته باشند مجازات خواهند شد. این مجازات از سوی «کمیسیون تجارت منصفانه» به محض دریافت شکایت از جانب افرادی که در بخش فعالیتهای اقتصادی کوچک مشغول بکار هستند اجرا می گردد.

در هند، قانون مشخصی در ارتباط با بخش صنایع کوچک وجود ندارد. سالهاست که بخش صنایع کوچک خواهان تصویب قوانین جامعی در این زمینه به شکلی که همه معیارها و سیاستهای کلی توسعه این بخش را دربر داشته باشد بوده است. در سال ۱۹۷۲ دولت هند کمیته ویژه ای تشکیل داد تا نسبت به ضرورت و یا عدم ضرورت چنین قوانینی اظهار نظر کند و در صورت ضرورت انجام چنین کاری، عناصر مهم این دسته قوانین را نیز روشن نماید. کمیته مذکور در گزارش کار خود زمینه های زیادی را برای وضع قوانین مورد نیاز معرفی کرد:

تعریف، مالکیت محدود، سیاست ذخیره سازی، توسعه صنایع جنبی و خط مشی خرید دولتی. با این حال هنوز هیچ قانونی در این زمینه ها وضع نشده است.

با وجود این، دولت هند در زمانهای ضروری، خط مشی های ویژه ای را که نشأت گرفته از «قانون توسعه و ضوابط صنایع» مصوب سال ۱۹۵۱ بوده تدوین و به مرحله اجرا درآورده است. از جمله این موارد، مسئله ذخیره سازی محصولات برای تولید انحصاری در بخش صنایع کوچک می باشد. این خط مشی که از سال ۱۹۵۷ به مرحله اجرا درآمده است اکنون گسترش یافته و ۸۳۴ قلم را زیر پوشش خود دارد. سیاست دیگری برای کمک به توسعه واحدهای فرعی و جنبی، بویژه در بخش عمومی تدوین شده است. به این منظور، یک سازمان دولتی تحت عنوان «هیئت فعالیتهای اقتصادی عمومی» رهنمودهای گسترده و مفیدی در زمینه فعالیتهای اقتصادی بخش عمومی ارائه کرده است. دولت همچنین برنامه خرید دولتی با نرخ مناسب را در پیش گرفته به قسمی که حجم خرید از صاحبان بخش صنایع کوچک در مقیاس قابل توجه و متناسب با سهم این بخش در کل اقتصاد ملی بوده است.

در چین، تدوین قوانین صرفاً به الگوی مالکیت واحدهای صنعتی برمی گردد. بر اساس فصل پنجم قانون اساسی که در سال ۱۹۷۸ اعلام گردید مالکیت در این کشور می باشد یا بصورت «مالکیت اجتماعی» در سطح تمامی مردم یا بصورت یک سازمان تعاونی که مالکیت بین کارگران و کارکنان تقسیم شده است باشد. با این حال، عملاً قسمت اعظم کارخانجات صنعتی کشور به شکل اول و زیر نظر دولت در سطح کشور، شهر و یا تشکیلات و دستجات مردمی (کمون ها) اداره می شوند.

## ۶- حمایت مالی:

در ژاپن، حمایت سازمان یافته از بخش فعالیتهای اقتصادی کوچک از نظر تأمین مالی اساساً از طریق سه سازمان صورت می گیرد که عبارتند از: «شرکت مالی مردم»، «شرکت مالی تجارت کوچک» و «بانک مرکزی تعاونیهای صنعتی» که دو مؤسسه اول، وامهای مناسبی از نظر نرخ بهره، شرایط باز پرداخت و مقدار وام در

اختیار متقاضیان قرار می دهند. «شرکت مالی مردم» عمدتاً در خدمت فعالیتهای اقتصادی خیلی کوچک است و وامهای اضطراری در اختیار صاحبان فعالیتهای اقتصادی کوچک و متوسط می گذارد تا بتوانند خود را با نوسانهای تجاری تطبیق داده و از خطر ورشکستگی تجاری نیز به دور باشند. «بانک مرکزی تعاونیهای صنعتی» نیز اعضای خود را از نظر مالی، یا بطور مستقیم و یا به شکل مشارکت و همکاری تأمین می نماید.

در هند تأمین اعتبارات مالی برای وامهای متوسط از طریق «شرکتهای مالی ایالتی» و برای سرمایه های در حال کار و گردش بوسینه بانکهای تجاری انجام می گیرد. بسیاری از دولتهای ایالتی نیز وامهایی تا میزان ۱۰۰،۰۰۰ روپیه (۱۲،۵۰۰ دلار) بر طبق «قانون کمک ایالتی به صنایع» به متقاضیان پرداخت می کنند. کمکهای مالی ویژه ای نیز از سوی مؤسسات مالی به بخش فعالیتهای کوچک می شود که در این رابطه برای وامهای کمتر از ۲۵،۰۰۰ روپیه، اصراری بر گرفتن تضمین یا وثیقه وجود ندارد. با این حال، در مرحله عمل، مسئله گرفتن اعتبارات مالی بویژه هر چه واحد اقتصادی مورد نظر کوچکتر باشد به شکل فزاینده ای به حالت حاد درآمده است. اخیراً «بانک ملی برای توسعه روستائی» تأسیس شده است تا کمکهای مالی لازم برای صنایع کوچک در مناطق روستائی را تأمین نماید.

در حال حاضر چارچوب تشکیلاتی برای سرمایه های خطرنا (دارای ریسک) هنوز از توسعه لازم برخوردار نیست. تعداد کمی از شرکتهای صنعتی کوچک و شرکتهای مالی ایالتی توجه و تأکید لازم برای دستیابی به روشهای تأمین سرمایه های مطمئن و بی دغدغه داشته اند. پیشنهاد تأسیس یک سازمان کمک مالی در سطح ملی برای تأمین و حمایت از سرمایه هائی که با ریسک همراه است (در رده فعالیتهای کوچک) هنوز به مرحله عمل و واقعیت در نیامده است.

در چین، از آنجا که کلیه عملیات صنعتی بوسیله دولت انجام می گیرد مشکل بدست آوردن کمکهای مالی، کمتر مشاهده می شود. به محض آنکه اجرای یک پروژه در سطح کمون یا ایالت به تصویب و تأیید رسید. منابع مالی لازم از سوی اداره ناظر بر این واحدها اختصاص می یابد. باتوجه به اینکه مالکیت در بین مردم توزیع شده

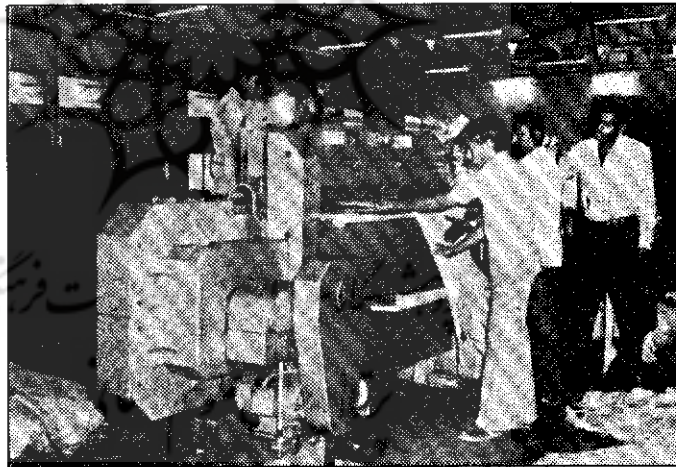
است بنابراین اجباری در کار نیست که اثرات ناشی از یک سرمایه گذاری خطرناک را یک نفر تحمل کند.

#### ۷- مشورت:

در ژاپن، چهارچوب و تشکیلات مدون و گسترده‌ای برای استفاده از خدمات مشاوره‌ای فراهم آمده است. در هر یک از حوزه‌های سرپرستی صنایع، یک مؤسسه تحقیقات صنعتی وجود دارد که کارهای مربوط به توسعه و پژوهش را دنبال می‌کند. علاوه بر این، مشاوران مدیریت در شرکت‌های بازرگانی و صنایع، همچنین در اتاق‌های بازرگانی و صنایع گمارده شده‌اند تا پیشنهادات و رهنمودهای لازم در مواردی از قبیل امور مالی، مالیات، مدیریت نیروی کار و روش‌های معاملات تجاری را در محدوده فعالیتها و واحدهای کوچک اقتصادی ارائه دهند. همچنین کمک‌های مالی برای اجاره کامپیوترها به منظور مکانیزه کردن روش‌های نگهداری کتاب در اختیار مؤسسات کوچک قرار می‌گیرد. دسترسی به مشاوران در زمینه‌های مختلف صنعتی و تجاری

حتی بصورت مصاحبه تلفنی به راحتی امکان پذیر است. یک شرکت کوچک ترویج بازرگانی، عهده دار کارآموزی و آموزش داده به نیروی انسانی مورد نیاز واحدهای اقتصادی کوچک و متوسط می‌باشد که این کار به موازات ارائه رهنمودهای لازم در جهت مدرنیزه کرده واحدهای کوچک صورت می‌گیرد.

در هند، خدمات مشاوره‌ای عمدتاً بوسیله سازمان توسعه صنایع کوچک و از مجرای مؤسسات خدمات صنایع کوچک انجام می‌شود. این مشاورتها معمولاً بطور رایگان - مگر در مورد خدمات تخصصی از قبیل تهیه گزارشات مربوط به درجه عملی بودن طرحها و یا بررسیهای فنی و اقتصادی - ارائه می‌شود. علاوه بر این، «شورای ملی باروری» از مجرای شوراهای باروری محلی و بنگاهانی که در سطح ایالت فعالیت دارد (نظیر سازمانهای فنی و مشاوره‌ای) نیز خدمات لازم را برای واحدهای صنعتی کوچک تدارک می‌بیند. در سالهای اخیر، تعداد زیادی مشاوران خصوصی نیز برای ارائه خدمات خود در رابطه با این مقاصد



• تعریف صنعت کوچک در هند اساساً در رابطه با میزان سرمایه گذاری تبیین گردیده و ارتباطی با تعداد کارکنان یا موقعیت جغرافیائی ندارد.

به میدان آمده‌اند که در بسیاری از موارد حق الزحمه آنان به شکل نامعقولی بالا و کیفیت خدمات آنها نیز تا حدودی غیرقابل قبول و نامناسب بوده است.

در چین، هیچ سازمان مشاوره‌ای رسمی در رابطه با واحدهای صنعتی کوچک مشاهده نمی‌شود. افراد و مسئولینی که رسماً در هیئتهای صنایع در سطوح ایالتی گمارده شده‌اند متصدی ارائه رهنمودها و توصیه‌های لازم به واحدهای صنعتی هستند، گرچه به نظر نمی‌رسد این کار در میدان عمل به مقیاس وسیعی انجام شود.

#### ۸- فن شناسی و تکنولوژی:

در ژاپن، تعدادی مؤسسه فنی فعالیت می‌کنند که کار آنها ارائه راهنمایی‌های لازم و همچنین طراحی و تولید تکنولوژی مناسب برای واحدهای صنعتی کوچک می‌باشد. مؤسسات تحقیقات صنعتی که قبلاً به آنها اشاره شد بعنوان بازوهای پژوهش و توسعه عمل می‌کنند. علاوه بر آن، حمایت قابل توجهی از تکنولوژی «درون خانگی» از سوی مؤسسات عمده و اصلی بعمل می‌آید. مقاطعه کاران فرعی از طریق ملاقات و مشورت با کارداناان فنی بمنظور حصول اطمینان از کیفیت و استاندارد بودن محصولات، از این حمایت بهره‌مند می‌شوند.

در هند، توسعه تکنولوژی اساساً توسط آزمایشگاههای ملی و آزمایشگاههای پژوهشی منطقه‌ای که زیر نظر «شورای تحقیقات صنعتی و علمی» کار می‌کنند پیگیری می‌شود، اما ارتباط و هماهنگی بین آنها و واحدهای صنعتی کوچک هنوز در سطح محدودی است. مراکز آزمایشگاهی منطقه‌ای از سوی «سازمان توسعه صنایع کوچک» تأسیس شده‌اند در حالیکه مقدار کمی «مراکز کارآموزی و توسعه نمونه اصلی» از سوی «شرکت ملی صنایع کوچک» در حال فعالیت هستند. بعلاوه قرار است «مراکز توسعه فرایند و فرآورده» نیز در زمینه‌ها و مکانهای مربوط به بخش صنایع کوچک تأسیس شوند.

در چین به نظر می‌رسد که توسعه تکنولوژی عمدتاً در مسیر یک حرکت «درون خانگی» و بر محور اصل «سه - در - یک» انجام می‌گیرد. بر اساس این اصل، هرگونه نوآوری تکنولوژیکی بوسیله یک گروه سه نفره مرکب از یک نفر از صنف مورد نظر، یک تکنسین و یک کارگر انجام





می شود. این گروه، مواردی از فرآیندهای تولید که باید در آنها عملیات بهبودبخش و اصلاحی صورت پذیرد را مشخص می کنند و کارخانه ها را نیز در جهت بهبود جریان فعالیتهاشان یاری می رسانند. این گروهها به دانش و اطلاعات مورد نیاز از طریق هیئتهای صنعتی در سطوح کشور، ایالت و شهر و نیز مؤسسات تحقیقاتی دسترسی دارند. یکی از جنبه های مهم توسعه و همگانی کردن تکنولوژی در چین، فعالیتهاست که به منظور تدارک اطلاعات مورد نیاز هر یک از کارخانه ها و مراکز فعالیت اقتصادی جهت انجام طرحهای نوآورانه در درون آنها صورت می گیرد. اکثر کارخانه ها دارای یک نشریه دیواری هستند که پیشرفتهای تکنیکی مؤثر در جریان تولید یا ماشین آلات در آنها منعکس می شود. کارگران و دیگر اعضای کارخانه در ساعات فراغت و یا صرف نهار ضمن مطالعه این نشریه ها از تمامی جریاناتی که در کارخانه می گذرد آگاه می شوند. یک نگاه کلی به جایگاه تکنولوژی در این سه کشور، این حقیقت را آشکار می سازد که در ژاپن کوششی مستمر در جهت ارتقاء سطح تکنولوژی و هر چه ماشینی تر کردن عملیات و حتی جایگزین کردن ماشین به جای انسان را عملی سازد صورت می گیرد.

### ● در ژاپن، کوششی در جهت ارتقاء سطح تکنولوژی و هر چه ماشینی تر کردن عملیات و حتی جایگزین کردن ماشین به جای انسان صورت می گیرد.

در هند، اگرچه زیادی در زمینه استفاده از تکنولوژی پیشرفته که با مالک حجم اشتغال را کاهش می دهد وجود دارد. در چین، جهت گیری اصلی مبتنی بر «بهبود کردن» منابع — اعم از نیروی انسانی و مواد — می باشد. حجم بالای نیروی کار در چین ناشی از این اعتقاد است که چون نیروی انسانی، بزرگترین سرمایه کشور محسوب می شود لذا هر برنامه ای در راستای رشد صنعتی ضرورتاً باید ناظر بر استفاده مناسب و کامل از این منبع باشد. بنابراین، مسئله ایجاد کار و اشتغال، نه بعنوان یک هدف اولیه، بلکه ثمره نیکوئی است که از سیاست بهینه سازی منابع موجود در کشور بدست آمده است.

کشور از ابعاد و جنبه های متعددی به صنایع جوش خورده است. واحد اقتصادی مادر، مسئولیت تدارک مواد خام، مساعدت فنی و حتی تأمین اعتبار واحدهای درگیر در قراردادهای مقاطعه کاریهای فرعی را برعهده دارد. در حالی که این برنامه، ژاپن را قادر ساخته تا به تولید محصولات و کالاهائی با هزینه های کمتر و قابل رقابت در سطح جهانی بپردازد. پی آمد نامطلوبی نیز به همراه داشته که همانا کاهش واحدهای کوچک در قالب واحدهای تابعه شرکتهای بزرگ بوده است. در دوران کساد بازار که کاهش قیمتها و کاستن از میزان تولید را بنحو اجتناب ناپذیری بدنبال دارد. همین واحدهای کوچک هستند که اجباراً ضربه ها و لطمات اصلی را تحمل می کنند. به این لحاظ، میزان افت و فتنای واحدهای اقتصادی کوچک در ژاپن بالا است اما به نظر نمی رسد ژاپنی ها بی جهت نگران

این امر باشند زیرا آنان اعتقاد دارند واحدی که توان خود را در میدان رقابت از دست داده است نمی تواند همچنان فعال در جامعه باقی بماند. در هند، برنامه توسعه شرکتهای معین (فرعی) سالهاست که از حمایت سطح بالای دولت برخوردار بوده است. با این حال در میدان عمل، مشکلات فراوانی در مسیر اجرای اینگونه برنامه ها بویژه در سطوح گسترده وجود داشته است. حتی در شرکتهای بخش عمومی که مستقیماً تحت کنترل دولت فعالیت می کنند اگرچه زیادی در زمینه حمایت از تأسیس شرکتهای معین و قائل شدن موقعیت ویژه ای برای آنها که می توانند مصرف و فروش ۵۰٪ از تولیدات آنان را تضمین نمایند دیده می شود. خرید واحدهای بزرگ از واحدهای کوچک از مبلغ ۲۵۷/۲ میلیون روپیه در فاصله ۷۰ — ۱۹۶۹ به ۱۵۰۰ میلیون روپیه در فاصله سالهای ۷۹ — ۱۹۷۸ افزایش یافته است.

### ۹ — قراردادهای فرعی:

برنامه قراردادهای فرعی در ژاپن، کشوری که صنایع بزرگ و کوچک آن ارتباطی تنگاتنگ با یکدیگر دارندۀ عملکردی بسیار عالی داشته است. در حقیقت قسمت اعظم صنایع کوچک در این



در حالیکه این افزایش می بایستی عامل تشویق کننده باشد واحدهای بزرگ ترجیح می دهند که با واحدهای کوچک صرفاً بعنوان تأمین کننده مواد مورد نیازشان بدون هیچگونه رابطه قراردادی یا مقاطعه ای برخورد نمایند. با این وجود، دولت همواره سعی داشته تا مؤسسات بخش عمومی را متقاعد سازد که از واحدهای اقتصادی کوچک و محصولات آنها حمایت کنند.

یکی از اقدامات مهم در این زمینه، تأسیس «بورس معاملات فرعی» در «مؤسسات خدمات صنایع کوچک» در سراسر کشور است. این بورسها اطلاعات مربوط به ظرفیت موجود در بخش واحدهای کوچک که نهایتاً با نیازهای بخش صنایع بزرگ تطبیق می یابند را به روز نگاه می دارند تا واحدهای کوچک بتوانند سفارشات رسیده از واحدهای بزرگ را دریافت و اجرا نمایند. اکنون اقداماتی در دست اجرا است تا یک بورس معاملات فرعی بین المللی برای عقد قراردادهای فرعی بین کشورهای توسعه یافته و کشورهای در حال توسعه تأمین گردد.

در چین، بویژه در اطراف شهرهای بزرگ، واحدهائی وجود دارد که به مثابه تأمین کننده مواد مورد نیاز کارخانجات بزرگ عمل می کنند. اکثر واحدهای صنعتی که در سطح «کمون» و «بریگاد» در حومه شهرها فعالیت دارند کالاهای مصرفی مورد نیاز جامعه ای که در آن قرار دارند را

تأمین می کنند. چینی ها توسعه شرکتهای معین را به شکلی مصور و در قالب «رقص اژدها» توصیف می کنند بنحوی که سرازدها را سمبل واحد مادرو دم آنرا نمایانگر واحدهای معین و درگیر در قراردادهای فرعی می دانند. اما این برنامه عمدتاً در مناطق شهری اجرا شده است و صنایع کوچک در مناطق روستائی مایلند که عملیات و فعالیتهای خویش را مستقلاً انجام دهند.

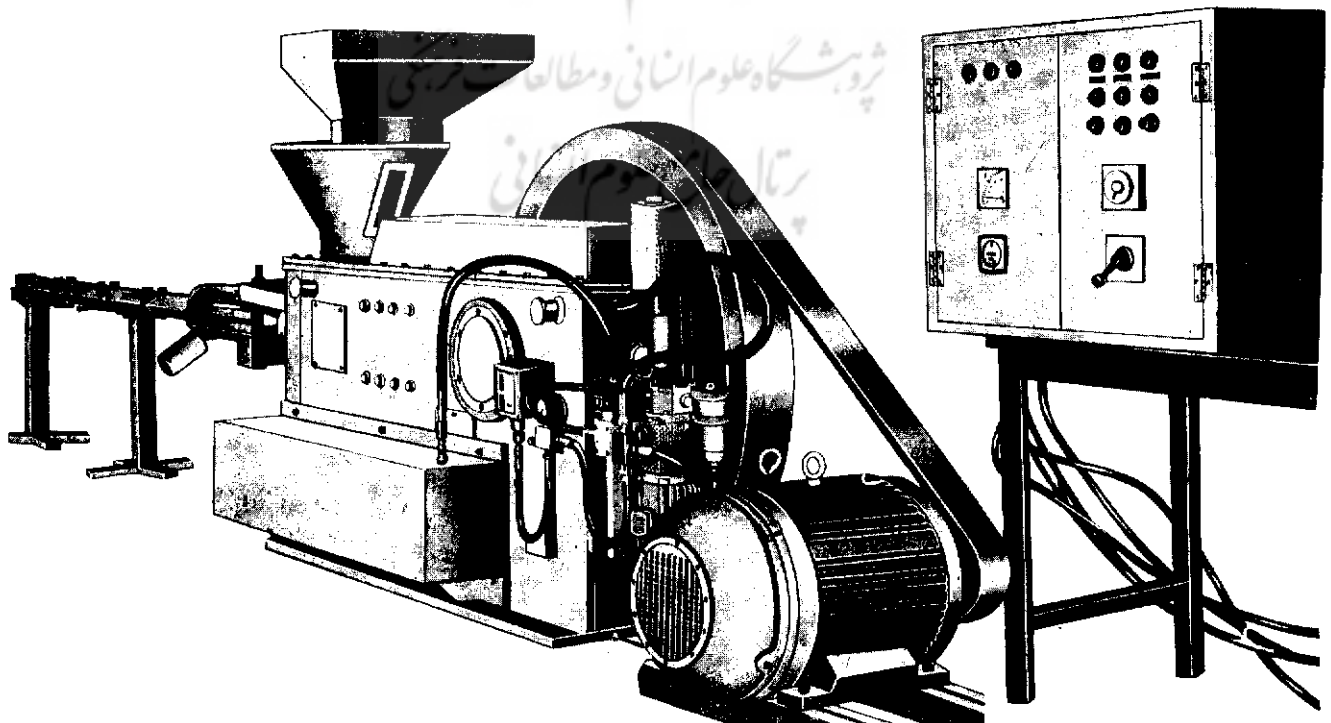
### ۱۰- بازاریابی:

در ژاپن، واحدهای صنعتی کوچک بدلیل آنکه تأمین کننده مواد و اقلام مورد نیاز صنایع بزرگ و مادر هستند، کمتر با مشکل بازاریابی روبرو می شوند. با این حال، واحدهای مذکور هنوز هم با مسئله تأخیر در پرداختها دست به گریبان هستند. در این زمینه قانون ویژه ای به تصویب رسیده که برطبق آن، پرداختها باید در یک فاصله زمانی معقول (۶۰ روزه) از سوی واحدهای بزرگ به واحدهای تأمین کننده صورت گیرد. در زمینه صادرات، اکثر واحدهای کوچک در ژاپن، عملیات خود را از طریق شرکتهای تجاری که برای انجام این کار خطر و شناسائی بازارهای جدید جهانی و تقویت کیاست بازرگانی واحدهای تولیدی محلی تأسیس شده اند انجام می دهند.

در چین، مسئله بازاریابی با هیچ مشکل

خاصی روبرو نیست زیرا دفتر برنامه ریزی کشوری مقدّمات تولید هر یک از واحدها را تعیین می کند. این تولیدات در اختیار کارخانجات بزرگ قرار می گیرد و یا از طریق فروشگاههای دولتی جهت فروش در سطح کشور توزیع می گردد. در حقیقت، مسئله بازاریابی در چین، مشکلی برای واحدهای کوچک در پی ندارد زیرا همواره تحت مراقبت دفتر برنامه ریزی کشوری است و دولت بر آن نظارت دقیق دارد. در رابطه با صادرات، کشور چین هنوز باید برای دستیابی به بازارهای جهانی راه درازی را پیماید.

تا دوران اخیر تولیدات چین عمدتاً برای تأمین نیازهای داخلی در نظر گرفته می شد اما با افزایش نیاز به ارزهای خارجی، چین با اجرای برنامه های مدرنیزه کردن کشور در صدد جستجو برای دستیابی به بازارهای خارجی جهت فروش بسیاری از محصولات خود برآمده است. «نمایشگاه بازرگانی کانتون» که دوبار در سال تشکیل می شود تاکنون توانسته است مجرای مناسبی برای انجام معاملات تجاری با دنیای خارج باشد. اما شواهدی موجود است که ضرورت اتخاذ سیاست های کارآمدتر برای افزایش صادرات با در نظر گرفتن محصولات واحدهای اقتصادی کوچک را بیش از پیش نمایان می سازد و در این زمینه کوششهایی نیز بعمل آمده و در آینده نیز پیگیری خواهد شد. با این وجود، قیمت گذاری این محصولات بنحوی است



● ژاپن خط‌مشی برقراری ارتباط  
تنگاتنگ بخش صنایع کوچک با  
صنایع بزرگ را  
دنبال کرده است.

چین،  
یک نظام اقتصادی بسته دارد  
که در آن،

هر واحد صنعتی یا اقتصادی  
باید در تحقق بخشیدن به معیارهایی  
که از سوی دفاتر برنامه‌ریزی مرکزی  
برایش تعیین می‌شود بکوشد  
و هند

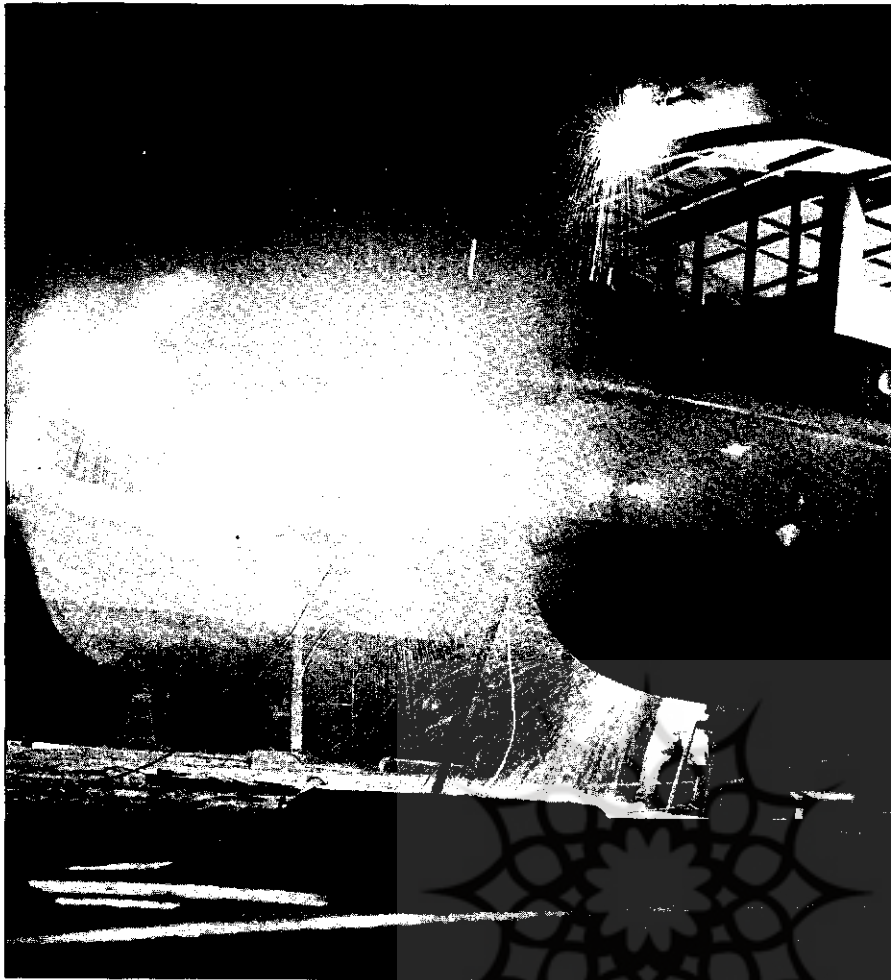
یک سیاست مختلط را تعقیب نموده  
که طبق آن،

حفاظت و توسعه صنایع کوچک،  
هم بعنوان تولید کننده کالاهای  
مصرفی و هم بعنوان

تامین کننده مواد لازم برای  
واحدهای صنعتی متوسط،  
مورد تاکید قرار گرفته است.

که بنا به برخی دلایل اقتصادی به سختی می‌توان  
پیش‌بینی کرد که بازار صادرات محصولات چینی  
تا چه حد بتواند با محصولات پذیرفته شده در سطح  
جهانی به رقابت بپردازد.

در کشور هند، گرچه مقدار قابل توجهی از  
تولیدات به خارج صادر می‌شود لیکن مسئله  
بازاریابی همواره برای واحدهای صنعتی کوچک  
مشکل‌آفرین بوده است. واحدهای کوچک از  
فقدان اطلاعات روزپیرامون نیازهای بازار و عدم  
توانایی انجام دیدارهایی از بازارهای خارجی و  
برقراری ارتباط با مصرف‌کنندگان بالقوه رنج  
می‌برند. حتی در محدوده کشور، واحدهای  
کوچک به دشواری می‌توانند با شرکتهای بزرگ  
بویژه در زمینه کالاهای مصرفی که مستلزم  
آگاهی کافی از زمینه مصرف آنها است به رقابت  
بپردازند. برنامه‌های ویژه‌ای از سوی دولت در  
جهت حمایت از واحدهای کوچک به مرحله عمل



مالی این برنامه از سوی دولت مرکزی و نیز  
مؤسسات ایالتی و محلی تأمین گردیده تا از محل  
آن، وامهای مناسبی با نرخ بهره پائین در اختیار  
افرادى که در واحدهای بازرگانی کوچک فعالیت  
دارند قرار گیرد. کمکهای مربوط به نوسازی  
تجهیزات، آزادانه و بلندنظرانه از سوی مؤسسات  
مالی به اینگونه واحدها اعطا می‌شود.  
وام‌گیرندگان از سوی «بنگاه فعالیتهای اقتصادی  
کوچک» با توجه به توانائی پاسخگوئی آنها به  
برنامه‌نوسازی برگزیده می‌شوند. میزان وامی که در  
این جریان به افراد یا شرکتهای واجد شرایط  
پرداخت می‌شود معادل ۵۰ درصد تجهیزات مورد  
نیاز است و بازپرداخت آن نیز طی یک دوره  
پنجساله صورت می‌گیرد. فراتر از این نوع  
کمکهای مالی، مساعدتهای وسیع و متنوع دیگری  
از قبیل مشاوره در مدیریت نیز، هم از سوی  
ارگانهای دولت و هم از طرف انجمنهای مدیریت  
در اختیار واحدهای مورد بحث قرار می‌گیرد.

چین، تازه در دوران اخیر برنامه حجیم و

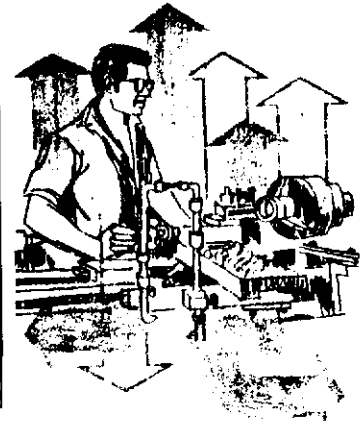
درآمده است که از آنجمله می‌توان از سیاست  
خرید محصولات توسط دولت و تضمین قیمت  
خرید یاد کرد لیکن این اقدامات نتایج شایان  
توجهی برای واحدهای کوچک دنبال نداشته و  
این حقیقت زمانی آشکار می‌گردد که بدانیم سهم  
واحدهای کوچک حتی با توجه به خریدهای  
دولتی هنوز کمتر از ۱۵ درصد می‌باشد. به نظر  
می‌رسد این مسئله روزبه روز برای واحدهای  
صنعتی کوچکی که در خارج از مناطق شهری  
تأسیس می‌شوند حادثتر می‌گردد. مسئله حمایت  
رسمی و سازمانی از واحدهای کوچک، بمنظور  
افزایش قدرت رقابت آنها با واحدهای بزرگ در  
دستور کار دولت و تحت بررسی می‌باشد.

#### ۱۱ - نوسازی (مدرنیزاسیون):

ژاپن، برنامه نوسازی نسبتاً توسعه یافته‌ای را با  
بهره‌گیری از انگیزه‌های خاصی جهت تشویق و  
ترغیب واحدهای کوچک به امر نوسازی و مدرنیزه  
شده به مرحله اجرا درآورده است. کمکها و منابع

## یک بررسی تطبیقی از:

راهبردهای توسعه صنایع کوچک در ژاپن، چین و هند:



بقیه از صفحه ۲۵

بهبودبخش می باشد، البته بانک توسعه صنعتی هند در حال مطالعه طرحی برای تأمین اینگونه کمکهای مالی است و انتظار می رود که پس از اجرای چنین طرحی، برنامه نوسازی بتواند تحرک و پویائی لازم را بیابد.

### ۱۲- بیماری در صنعت:

مسئله بیماری صنعتی به شکل ملموسی در هند، جایی که به شیوع بیماری بین واحدهای اقتصادی شهرت قابل ملاحظه ای دارد، ظاهر شده است. معهدا بر اساس برآوردی که از سوی بانک مرکزی هند بعمل آمده، از بین ۶۰۰،۰۰۰ واحد ثبت شده، کمی بیش از ۲۰،۰۰۰ واحد بیمار وجود دارد. اگر این گزارش صحت داشته باشد واحدهای بیمار رقمی معادل ۳٪ کل واحدها را در برمی گیرد که نمی توان آن را رقم بالائی دانست. مسئله اساسی، تشخیص واحدهای واقعا بیمار است که ضرورتاً باید سروسامان تازه ای به آنها داده شود و برنامه هماهنگ و حساب شده ای نیز برای این سامان بخشی لازم است. یک «کمیته واحدهای بیمار» در هر ایالت فعالیت دارد اما کوششهای این کمیته ها به لحاظ فقدان کمک های مالی جهت بازسازی واحدهای بیمار، عملاً بی اثر می ماند. در برخی از ایالتها «شرکتهای مالی ایالتی» اجرای این امر را برعهده گرفته اند و دولت نیز در صدد است تا اعتبارات و کمکهای بیشتری در اختیار اینگونه واحدها قرار دهد.

در ژاپن، مسئله بیماری واحدهای تجاری و صنعتی آنچنان که در هند وجود دارد دیده نمی شود زیرا انحلال واحدهائی که نمی توانند در میدان رقابت با دیگران سر پا بایستند امری پذیرفته شده است. تلاش دولت بیشتر مصروف تقویت و سامان دادن به واحدهای باصرفه و پر بازده می شود تا واحدهای غیراقتصادی و فاقد بازدهی لازم.

در چین که نظام اقتصادی بطور کامل زیر نظر و در کنترل دولت است مسئله ای بنام بیماری واحدهای صنعتی وجود ندارد. هر واحدی که نتواند خود را به معیارهای تعیین شده از سوی حزب و شورای انقلابی برساند مورد حمایت همه جانبه قرار می گیرد تا مجدداً در مسیر فعالیت و تولید مطلوب گام بردارد و گروه مدیران مربوطه نیز بدلیل عدم نیل به اهداف و معیارهای اعلام شده مجازات می شوند.

### نتیجه گیری:

همانگونه که از مطالب فوق برمی آید بین استراتژیهای پذیرفته شده در سه کشور ژاپن، چین و هند جهت رشد بخش صنایع کوچک تفاوتهای اساسی (و نیز تشابهاتی) وجود دارد. ژاپن خط مشی برقراری ارتباط تنگاتنگ بخش صنایع کوچک با صنایع بزرگ، زیر پوشش یک بازار آزاد را دنبال کرده است. چین، یک نظام اقتصادی بسته دارد که در آن، هر واحد صنعتی یا اقتصادی بایستی در تحقق بخشیدن به هنجارها و معیارهایی که از سوی دفاتر برنامه ریزی مرکزی برایش تعیین می شود بکوشد. و بالاخره هند، یک خط مشی مختلط را تعقیب نموده که طبق آن، حفاظت و توسعه صنایع کوچک، هم بعنوان تولید کننده کالاهای مصرفی و هم بعنوان تامین کننده مواد لازم برای واحدهای صنعتی متوسط، مورد تأکید قرار گرفته است.

بدیهی است هر یک از کشورهای در حال توسعه بایستی برنامه های توسعه خود را بر اساس سنت ها و نیازهای موجود در آن کشور طراحی و به مرحله اجرا بگذارند. تقلید کورکورانه از آنچه که در جایی دیگر با موفقیت همراه بوده است ضرورتاً نمی تواند به همان نتایج و آثار بینجامد.

### منابع

- ۱- این بررسی توسط آقای «رام-ک-ویا» مشاور ارشد سازمان ملل متحد در زمینه صنایع کوچک و به سفارش دولت اندونزی انجام گرفته است.
- ۲- (Khadi) - همان پارچه دستیاف مورد علاقه گانندی در دوران نبرد آزادیبخش می باشد.

پردامنه ای برای نوسازی و مدرنیزه کردن واحدهای صنعتی بزرگ خویش را مورد تأکید قرار داده است. در راستای این تصمیم چهار مقوله اصلی یعنی کشاورزی، صنعت، علم و تکنولوژی، و دفاع ملی در رأس یک برنامه نوسازی گسترده قرار گرفت که انتظار می رفت هزینه ای معادل ۵۰۰ میلیارد دلار دربر داشته باشد. با این حال، پس از چندی دریافتند که تأمین چنین بودجه کلانی برای کشور امکان پذیر نیست و لذا در صدد محدودتر کردن طرح برآمدند. از آنجا که بحث بر سر صنایع کوچک است انتظار می رود که ورود تکنیکها و ماشین آلات جدید به صنایع بزرگ نهایتاً به واحدهای اقتصادی و صنعتی در سطوح متوسط و کوچک نیز روح جدیدی بدمد.

در هند، نوسازی صنایع کوچک از اواخر دهه ۱۹۶۰ مورد توجه و تأکید قرار گرفت. در آن زمان یک کمیته دولتی، پنج زمینه صنعتی یعنی صنایع اتومبیل، منابع تأمین نیروی برق داخلی، ماشین افزار، ذوب فلز و کشتابافی را در رأس برنامه نوسازی قرار داد. پس از چندی، صنایع دیگری نیز به این فهرست افزوده شد و اکنون «مؤسسات خدمات صنایع کوچک» اقدام به اجرای یک برنامه برای نوسازی نموده اند که بر طبق آن مطالعاتی به منظور دستیابی به روش مشخص و مناسبی برای اجرای برنامه نوسازی در دست انجام است. ضعف اساسی این برنامه، فقدان منابع مالی کافی برای عملی ساختن این طرحهای